

نگرش قرآنی بر سیره اخلاقی امام حسین علیه السلام و جایگاه آن در سبک زندگی اسلامی

سیده کوثر موسوی^۱

اصغر طهماسبی بلداجی^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۹ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۸

چکیده

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی که در سعادت و کمال دنیوی و اخروی انسان حائز اهمیت است، اخلاق می‌باشد که در دو حیطه اهتمام به فضایل اخلاقی و اجتناب از رذایل اخلاقی ترسیم شده است. جستار پیش رو با رویکرد تطبیقی، بایدها و نبایدهای اخلاقی را در سبک زندگی از منظر قرآن و امام حسین علیه السلام مورد مذاقه قرار داده است و در این باره به مهم‌ترین شاخصه‌های اخلاقی در سیره علمی و عملی علیه السلام امام حسین علیه السلام اشاره نموده است؛ نتیجه آن که: بررسی فضایل اخلاقی امام حسین علیه السلام و انطباق آن با آیات قرآن، از یک سو ضمن معرفی مقام والای امام حسین علیه السلام، الگو محوری ایشان در زندگی را تقویت می‌نماید و از سویی دیگر با ترسیم بایدها و نبایدهای اخلاقی، به ارائه شاخصه‌های اخلاقی سبک زندگی و نقش آن در کمال و سعادت کمک می‌نماید.

واژگان کلیدی: امام حسین علیه السلام، قرآن کریم، اخلاق، فضایل اخلاقی، سعادت و کمال.

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، مدرس دانشگاه kosarmoosavi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان. tahmasebiasghar@yahoo.com

۱. مقدمه

قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی، دربردارنده تمام اموری است که انسان در راه رسیدن به کمال و سعادت به آن نیاز دارد. «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۸۹) از طرفی دیگر این آخرین کتاب آسمانی مخصوص عصر و زمان خاصی نبوده بلکه برای تمامی انسان‌ها تا قیامت است. «وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ» (قلم/۵۲) و با جامعیت و جاودانگی خود به سوی آیینی که بهتر از هر آیین دیگر است راهنمایی می‌کند. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِّلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ» (اسراء/۹) بدون شک سالم‌ترین و کامل‌ترین زندگی آن است که بر اساس مفاهیم قرآن کریم و آموزه‌های اسلامی شکل گرفته باشد. زندگی اسلامی آن است که تمام جوانب زندگی انسان را دربرگیرد و او را به مقصد واقعی و هدف اصلی برساند.

هدف اصلی خلقت انسان و زندگی وی بر اساس قرآن کریم عبادت و بندگی خداوند است. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/۵۶) و این بندگی در همه عمر انسان جریان دارد که منجر به کمال و سعادت وی می‌شود. در این میان اخلاق یکی از مهم‌ترین لوازم سعادت و کمال انسان می‌باشد.

در مبحث اخلاق، قرآن کریم در تمامی ابعاد زندگی انسان به آن توجه داشته و مولفه‌های اخلاقی هر کدام را در نهی از ذرائع اخلاقی و آراسته شدن به فضایل اخلاقی بیان داشته است. قرآن کریم از دو حیطة سلبی و ایجابی به این مهم می‌پردازد؛ به لحاظ سلبی رذایل اخلاقی را مطرح می‌کند و انسان را از ورود به آن بر حذر می‌دارد؛ همچنان که عواقب دنیوی و اخروی این رذایل را فراروی انسان می‌گذارد و به لحاظ ایجابی فضایل اخلاقی را مطرح می‌کند و در تقابل با رذائل قرار می‌دهد.

قرآن کریم از یک سو الگوهای اخلاقی را مطرح می‌کند و از سوی دیگر فضائل اخلاقی و نتایج آراسته شدن به آن‌ها را بیان می‌کند. مهم‌ترین غایت اخلاق، آراستگی به فضایل اخلاقی و پیراستگی از رذایل اخلاقی است که یکی از مهم‌ترین ثمرات این مهم، سلامت روحی و روانی انسان است. اخلاق نه تنها آرامش روحی و روانی را به ارمغان می‌آورد، بلکه با ارائه رویکردهای خاص سلامت معنوی جامعه را نیز فراهم می‌کند. بر همین اساس



پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی از نوع کتابخانه‌ای جایگاه اخلاق را در سیره علمی و عملی امام حسین علیه السلام مورد تحلیل و بررسی قرار داده است و در این باره ضمن انطباق اخلاق قرآنی و سیره امام حسین علیه السلام مهم‌ترین شاخصه‌های اخلاقی در سبک زندگی را بیان نموده است.

۲. نگاهی به مقام و منزلت امام حسین علیه السلام

درباره امام حسین علیه السلام و منزلت ایشان از یک سو و اثبات حجیت سخنان ایشان از سوی دیگر، می‌توان به آیات قرآن و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره نمود. آیات قرآن درباره امام حسین علیه السلام در یک مجموعه کلی درباره اهل بیت علیهم السلام است که امام حسین علیه السلام نیز در این دایره قرار می‌گیرد. برخی از آیات عصمت اهل بیت علیهم السلام و به تبع آن امام حسین علیه السلام و برخی از آیات تبعیت مطلق از ایشان را بیان می‌دارند. آیات تطهیر و مباحله عصمت اهل بیت علیهم السلام و آیه الوال امر تبعیت مطلق از ایشان را بیان می‌دارند. در آیه مباحله آمده است:

﴿فَنَ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾
(آل عمران/۶۱)

در این باره اکثر اهل سنت اتفاق دارند که این آیه در شأن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام نازل شده است. (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ۲۹۳/۴؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۱۲۹/۱-۱۳۰؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق: ۱۵۰/۳؛ احمد بن حنبل، ۱۴۰۴ق: ۱۸۵/۱؛ بیضاوی، بی تا: ۲/۲؛ قندوزی حنفی، ۱۴۱۸ق: صص ۹-۴۴-۵۱-۵۲).

سید مرتضی در این باره می‌نویسد:

احادیث فراوانی داستان مباحله را تائید می‌کنند و آن این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمومنین علیه السلام و فاطمه علیه السلام و حسن و حسین علیهم السلام را بر آن فراخواندند. اهل نقل و تفسیر همگی بر این مطلب اجماع دارند. (علم الهدی، ۱۴۱۰ق: ۲/۲۵۴)

علامه طباطبایی پس از نقل این جریان می‌نویسد:

این بالاترین مناقبی است که خداوند اهل بیت علیهم‌السلام را به آن اختصاص داده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۵۹/۳)

همچنان که علامه بحرانی بر این باور است که اگر آنان معصوم از همه خطاها و گناهان نبودند به این رتبه و مزیت که بالاتر از آن رتبه و مزیتی نیست نمی‌رسیدند به طوری که خداوند قسم به آن‌ها را فارق بین حق و باطل و تصدیق کننده کتاب خدا و نبوت پیامبر گرامی قرار داد. (بحرانی، ۱۴۱۷ق: ۵۸)

آیه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب/۳۳) یکی دیگر از آیاتی است که عصمت امام حسین علیه‌السلام و حجیت سخنان ایشان با استناد به این آیه اثبات می‌شود. روایات متعددی نقل شده که تنها مصداق اهل بیت علیهم‌السلام را، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امام علی علیه‌السلام، حضرت زهرا علیها‌السلام و حسنین علیهم‌السلام معرفی می‌کند. (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۲۸۷-۲۸۶؛ مجلسی، ۱۳۹۷ق: ۲۱۱/۳۵) علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد:

این روایات بسیار و بیش از هفتاد حدیث است؛ بیشتر آن‌ها از طریق اهل سنت نقل شده که این خود بیشتر از چیزی است که از طریق شیعه روایت شده است. اهل سنت آن را تقریباً از چهل طریق و شیعه آن را از بیش از سی طریق نقل کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۷ق: ۳۱۱/۱۶)

ابن مردویه معتقد است به بیش از صد طریق روایت رسیده است که آیه تطهیر درباره محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین نازل شده است. (ابن مردویه، ۱۴۲۲ق: ۳۰۱) همچنان که فیض کاشانی بر این باور است که روایات مربوط به نزول آیه تطهیر درباره پنج تن آل عبا، از طریق اهل سنت بیش از آن است که شمرده شود. (فیض کاشانی، ۱۹۸۲م: ۱۸۹/۴) در منابع دیگر اهل سنت نیز (نک: ابن کثیر دمشقی، ۱۹۸۲م: ۴۹۴/۳؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۰۲ق: ۲۹۵؛ سیوطی، ۱۳۷۷ق: ۶۰۳/۶، حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۲۱/۲) قریب به همین مضمون نقل شده است.



روایاتی دیگر در منابع اهل سنت نقل شده که مؤید این شأن نزول است. ترمذی از ام سلمه این گونه نقل می‌کند:

پیامبر اکرم ﷺ بر حسن، حسین، علی و فاطمه کسائی پوشاند، سپس گفت: خدایا اینان اهل بیت و خواص من هستند، پلیدی را از آنان دور کن و آن‌ها را کامل پاک گردان. ام سلمه گفت: ای پیامبر خدا، آیا من نیز با آن‌ها هستم، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: همانا تو بر خیر و نیکی هستی.^۱ (ترمذی، بی تا: ۶۹۹/۵)

قریب به همین مضمون از عایشه نیز نقل شده است. (نیشابوری، بی تا: ۴۱۶/۲)

سیاق آیه تطهیر نیز این عصمت را اثبات می‌کند؛ الف و لام واژه «الرجس» در آیه تطهیر، الف و لام جنس است که هر نوع پلیدی را در بر می‌گیرد خواه ناپاکی ظاهری باشد، خواه باطنی، خواه از نظر طبع آدمی و یا به حکم عقل یا شرع یا همه این‌ها باشد. (فتح الهی و ذوالفقاری، ۱۳۸۷ ش: ۵۸) واژه «یرید» نیز دال بر اراده تکوینی خداوند است نه تشریحی. اگر اراده تکوینی خداوند به چیزی تعلق بگیرد، بین مراد و اراده خدا هیچ فاصله‌ای وجود نخواهد داشت. اراده در آیه تطهیر، اراده تکوینی به معنای توفیق و عنایت خاص است. (معرفت، ۱۳۹۰ ش: ۱۳۱-۱۳۰) علاوه بر این کلمه «انما» که برای حصر آورده شده دو گونه حصر از آن استفاده می‌شود، یکی اراده قطعی خداوند بر این که هرگونه پلیدی و گناه را از اهل بیت پیامبر ﷺ دور نماید و دیگری این که این عصمت و دوری از گناه و پلیدی انحصار در اهل بیت ﷺ دارد و دیگران را شامل نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۳ ق: ۳۰۹/۱۶) علاوه بر این که مضمون آیه تطهیر دلالت مطلق بر عصمت اهل بیت ﷺ دارد.

روایات معتبری از فریقین مؤید این مطلب است. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

من، علی، حسن، حسین و نه تن از فرزندان حسین مطهر و معصوم هستیم.
(صدوق، بی تا، ۶۴/۱)

در همین رابطه می‌فرماید:

۱. ترمذی ذیل این روایت می‌نویسد: هذا حدیث حسن و هو أحسن شیء روی فی هذا الباب. (ترمذی، بی تا: ۶۹۹/۵)

من و اهل بیت من از همه گناهان پاک و مطهر هستیم. (طبرسی، ۱۳۸۲ ش، ۲۰۷/۹)

قریب به همین مضمون در روایات دیگری (شعیری، ۱۹۸۶ م: ۱۹؛ صدوق، بی تا، ۵۷/۱) نقل شده که همگی مؤید عصمت اهل بیت علیهم السلام هستند. در منابع اهل سنت نیز قریب به همین روایات نقل شده که مضمون همه آن‌ها عصمت اهل بیت علیهم السلام را گواهی می‌دهد. (سیوطی، ۱۹۹۳ م: ۶/۶-۶۰۵-۶۰۶، جوینی، ۱۹۸ م: ۲/۱۳۳، ابن ابی حاتم، ۱۹۹۹ م: ۹/۳۱۳۳، دیلمی، ۱۴۰۶ ق: ۱/۵۴)

آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء/۵۹) که مراد از «أُولِي الْأَمْرِ» امامان علیهم السلام می‌باشند که اطاعت از آنان هم پایه اطاعت از خداوند و پیامبر واجب می‌باشد. (نک: کلینی، ۱۳۸۸ ق: ج ۱، ص ۲۸۶؛ حسکانی، ۱۴۱۱ ق: ج ۱، ص ۱۹۱، عیاشی، بی تا: ج ۱، ص ۲۴۹، ح ۱۶۹)

احادیث معتبر منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز به دو طریق عام و خاص حجیت سخنان امام حسین علیه السلام را اثبات می‌کند از طریق عام می‌توان به حدیث معتبر ثقلین اشاره نمود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

انی تارك فيكم الثقلين ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا بعدى، احدهما اعظم من الآخر، كتاب الله جبل ممدود من السماء الى الارض، وعترتي اهل بيتي، ولن يفترقا حتى يردا على الحوض، فانظروا كيف تخلفوني بهما. (مسلم، بی تا: ۲/۱۸۷۳؛ ترمذی، بی تا: ۵/۶۶۳)

امام حسین علیه السلام از جمله اهل بیت علیهم السلام جز عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که حدیث ثقلین حجیت علمی و عملی امام حسین علیه السلام را به طور مطلق بیان می‌دارد چرا که در صورتی می‌تواند ثقل قرآن قرار گیرد که مانند قرآن حجت باشد که حدیث ثقلین این حجیت را اثبات می‌کند. در روایت دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به طور خاص امام حسین را از خود می‌داند و خود را از امام حسین علیه السلام که این مطلب نهایت منزلت امام حسین علیه السلام را اثبات می‌کند؛ آن‌جا که می‌فرماید: «حسین منی و انا من حسین» (طباطبایی، ۱۳۹۷ ق: ص ۱۳).

در روایتی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

وهو سيد شباب اهل الجنة وباب نجاه الامة، امره امرى وطاعته طاعى.
(صدوق، ۱۴۱۷ق: ص ۱۰۱ - ۹۹)

در این روایت علاوه بر سرور بهشت بودن امام حسین علیه السلام اطاعت امام حسین علیه السلام عطف بر اطاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شده است. روایات متعدد دیگری نیز در این باره وجود دارد که تفصیل آن پژوهشی مستقل می طلبد؛ کوتاه سخن آن که عصمت امام حسین علیه السلام از یک سو حجیت سیره علمی و عملی ایشان از سوی دیگر مستند به قرآن کریم و روایات معتبر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که جای هیچ شک و شبهه‌ای را در این زمینه نمی گذارد.

۳. تجلی اخلاق قرآنی در سیره امام حسین علیه السلام

اخلاق امام حسین علیه السلام همان اخلاق حسنه‌ای است که قرآن بیان داشته به گونه‌ای که چهره اخلاق نظری در معنای مطلق آن در قرآن بیان شده و چهره اخلاق عملی به طور مطلق آن در سیره علمی و عملی امام حسین علیه السلام نمود پیدا کرده است از جمله:

۳-۱. اهمیت سلام کردن

امام حسین علیه السلام می فرماید: سلام کردن هفتاد حسنه دارد، شصت ونه حسنه آن برای سلام کننده و یک حسنه و پاداش برای پاسخ دهنده است. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۲۴۸) همان گونه که در آیه شریفه «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» (انعام/۵۴) پیامبر صلی الله علیه و آله را نهی نموده که مؤمنین را از خود طرد نماید و امر به ملاطفت نمودن با ایشان داده است و بر آنان سلام کند تا دل هایشان گرم و اضطراب درونی شان به آرامش و سکون مبدل گردد. (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۴۸/۷) و بر طبق آیه «دَعُواهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ» (یونس/۱۰) اولین کرامتی که خداوند سبحان در بهشت به اولیایش می دهد؛ همان کسانی که دل را از یاد غیر او منزه ساختند و غیر از حب الهی را به خود راه ندادند و به چیزی غیر از خدا نیاندیشیدند، خیر و سلام است. (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۹/۱۰)

۲-۳. توجه و احترام به همسر

امام حسین علیه السلام فرمود:

هرکس زبانش راستگو باشد و کردارش پاکیزه باشد و هرکس نیت خیر داشته باشد، روزیش فراوان و هرکس با زن و بچه اش خوش رفتار باشد عمرش پربرکت می‌گردد. (مفید، بی تا: ۱/۳۲۳)

در مورد تکریم همسر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل است:

هرکسی همسری برگزید، باید وی را تکریم کند. (حزعاملی، ۱۳۸۰ ش: ج ۱۴، ص ۲۴۹)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

بهترین شما، بهترین شما [و خوش رفتارترین شما] با زنانش است و من بهترین شما با زنانم هستم. (صدوق، ۱۴۰۵ ق: ج ۳، ص ۴۴۳)

و نیز در جای دیگر فرمود:

بهترین شما، بهترین شما با خانواده است و من بهترین شما با خانواده هستم. (همان، ج ۳، ص ۵۵۵)

آیه مبارکه «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف/۱۸۹) درباره جایگاه همسر در زندگی و غایت آن که آرامش است می‌باشد. در روز عاشورا هنگامی که هلال بن نافع عازم جنگ بود همسر جوانش از رفتن او ناراحت شده و به شدت می‌گریست، امام حسین علیه السلام متوجه او شد و چنین فرمود:

ای هلال! همسرت جدایی تو را نمی‌پسندد، تو آزادی و می‌توانی خشنودی او را بر مبارزه با شمشیرها مقدم بداری. (شریفی و دیگران، ۱۳۸۲: ۴۴۷)

از دیگر نمونه‌ها که بیانگر ارج‌گذاری پیشوای شهیدان است، جایی است که امام حسین علیه السلام تکریم همسر را به دوستانش سفارش می‌کند و در پاسخ به اعتراض آنان نسبت به فرش‌ها و پرده‌های نودر منزل آن حضرت فرمودند:

ما پس از ازدواج، مهریه زنان را پرداخت می‌کنیم پس آنان هر چیزی را که دوست



داشته باشند می خزند و ما دخالتی نمی کنیم. (کلینی، ۱۳۷۵: ۶/۴۷۵)

همانگونه که قرآن کریم می فرماید:

﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً﴾. (نساء/۴)

مردان عهده دار بردن نفقه و تدبیر امور اقتصادی زن می باشند یعنی مردان علاوه بر دفاع و حفاظت از زنان امر تدبیرات و پرداخت نفقه زن را به عهده دارند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۴/۱۶۸). رسول اکرم ﷺ می فرماید:

خداوند روز قیامت هرگناهی را می بخشد مگر مهریه زنی را که پرداخت نکرده.
(جزعاملی، ۱۳۸۰: ۴/۲۶)

۳-۳. احترام متقابل در نیکی ها

در سیره علمی و عملی امام حسین علیه السلام بر احترام متقابل و حتی بیشتر در مقابل نیکی های دیگران تاکید شده است. انس بن مالک گوید: نزد امام حسین علیه السلام بودم کنیزکی در حالی که دسته ای ریحان به دست داشت، وارد شد و آن را تقدیم امام نمود، حضرت فرمود: تو را به خاطر خداوند آزاد کردم. انس گوید: با تعجب پرسیدم کنیزکی برای شما دسته ای ریحان آورد و سلام کرد. شما او را آزاد کردید؟ امام علیه السلام فرمود: خداوند این گونه ما را ادب کرده است زیرا که فرموده است: ﴿وَإِذَا حُيِّئْتُمْ بِهِ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا﴾ (نساء/۸۶) زمانی که کسی به شما تحیت و درود گفت شما نیز جواب او را به همان یا بهتر از آن بگویید و جواب بهترین کنیز آزادی اوست. (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۶۹)

یحیی بن سالم موصلی که از موالی امام حسین علیه السلام بود می گوید: با امام حسین علیه السلام در حرکت بودیم به درخانه ای رسیدند و آب طلبیدند، کنیزی با قدحی پر از آب بیرون آمد، امام علیه السلام پیش از خوردن آب نقره ای را درآوردند و به او دادند و فرمود: این را به اهلت بسپار، آن گاه به نوشیدن پرداختند. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۴۶۴)

قرآن کریم می فرماید:

﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ (الرحمن/۶۰)

آیا جزای نیکی جز نیکی است؟

امام سجاد علیه السلام فرمود:

حق آن کسی که به تونیکی کرده این است که او را سپاس داری و نیکی اش را یاد

کنی. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۱۷۰)

۳-۴. تقوا اکمال فضایل اخلاقی، اجتناب از ذنایل اخلاقی

امام حسین علیه السلام می فرماید:

شما را به تقوای الهی سفارش می کنم هرکسی از خدا پروا کند، خداوند تضمین

کرده که او را از آن چه نمی پسندد به آن چه می پسندد متحول سازد. (ابن شعبه

حرانی، ۱۳۸۲: ۱۷۰)

امام حسین علیه السلام با توصیه به تقوا به نتایج آن هم اشاره می فرماید:

از جمله این که اوضاع را به نفع بندگانی متقی برمی گرداند. ممکن است

دنیاپرستان هوسباز چند روزی از کامیابی هایی برخوردار باشند ولی فرجام

خوشی ندارند. (محدثی، ۱۳۸۵: ۴۱)

قرآن با بیان **﴿إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ﴾** (هود/۴۹) **﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى﴾** (طه / ۱۳۲) عاقبت

و فرجام نیک را از آن تقوا و اهل تقوا می داند. تقوا بزرگ ترین توصیه خداوند به بندگان

است، آیات آن در بردارنده هشدارهایی است که آسیب ها و ضررهای بی تقوایی و

بی پروایی و پیروی از نفس اماره و متابعت از شیطان را به یاد می آورد و فرجام نیک اهل تقوا

و عاقبت شوم بی تقوایان را نشان می دهد. خداوند با اهل تقواست، هوای آنان را دارد،

کمکشان می کند. از خطرات نجاتشان می دهد و در آخرت هم بهترین پاداش ها و برترین

نعمت های بهشتی را در اختیار آنان قرار می دهد. امام حسین علیه السلام با توصیه به تقوا به نتایج

آن هم اشاره می فرماید. از جمله این که اوضاع را به نفع بندگانی متقی برمی گرداند

(محدثی، ۱۳۸۵: ۵۲). و در جای دیگر سیدالشهداء علیه السلام می فرماید:

شما را به تقوای الهی سفارش می کنم؛ زیرا خدا ضمانت فرموده: **﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ**

يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ (طلاق ۳/۲) کسی را که تقوی



داشته باشد از وضعی که نمی‌پسندد به وضعی که می‌پسندد، برگرداند و از آن جا که گمان نمی‌برد روزیش را می‌رساند از کسانی مباش که برگناهان بندگان خدا بیمناک است و از عقوبت گناه خود آسوده خاطر است، زیرا خدای سبحان درباره بهشتش، فریب نمی‌خورد و به آن چه نزد اوست جز به اطاعت او و اگر خدا بخواهد نتوان رسید. (شریفی و دیگران، ۱۳۸۲: ۸۵۳)

۳-۵. اخلاق عبادی، اقامه نماز، فرهنگ سازی بهره‌گیری از قرآن

امام حسین علیه السلام فرمود:

خدا می‌داند که من نماز و تلاوت قرآن را دوست می‌دارم. (مفید، بی تا: ۲۳۲/۱)

در شب عاشورا که امام حسین علیه السلام به تلاوت قرآن مشغول بود گروهی از لشکریان پسر سعد برای اطلاع از احوال امام حسین علیه السلام و یاران او نزدیک خیمه‌ها آمدند و ملاحظه کردند که امام علیه السلام با یک صورت ملکوتی و جذاب آیاتی از سوره آل عمران را تلاوت می‌کند و در ظهر عاشورا در بحبوحه جنگ نماز را به همراه ایشان اقامه نمودند. (مفید، بی تا: ۲۳۲/۱)

طبق فرمایش قرآن کریم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَعْفُوْكُمْ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ» (حدید/۲۸) کسانی که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند خداوند دورحمتش را به آن‌ها می‌دهد و نور قرآن و دلایل بر حق آن را برای ایشان قرار می‌دهد تا به وسیله آن در آخرت راه ببیمایند و خداوند گناهان ایشان را مورد آمرزش قرار دهد. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۲۴/۲۵۲)

امام در سخت‌ترین شرایط روز عاشورا وظایف دینی و تکالیف اسلامی خود را در عالی‌ترین حالت و معنوی‌ترین وضع انجام داد و در ظهر روز عاشورا به رغم گرمای شدید هوا، تشنگی فراوان، خطر تیرها و یورش‌های بی‌امان امویان، بی‌شرمی دشمنان، اندوه شهادت یاران و بسیاری از تنگناهای دیگر، اجازه نداد فریضه مقدّس نماز ترک گردد و حتی مصمم گردید در اول وقت اقامه گردد. آن قدر شرایط آشفته بود که سعید بن عبدالله که خود را سپر ابا عبدالله علیه السلام نموده بود پس از پایان نماز ظهر عاشورا به تعبیر برخی مقتل‌نویسان، بدنی چون آبکش داشت چرا که تیرهای فراوان به او اصابت کرد و این

مجاهد مخلص را به شهادت رسانید. (آیتی، ۱۳۸۱: ۴۶)

حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

جدم حسین علیه السلام رکوع و سجودش طولانی بود. (قمی، ۱۳۹۰: ۱۰۴)

حضرت سید الشهداء بارها پیاده به خانه خدا شتافت و مراسم حج را برگزار کرد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳/ ۲۲۴) «وَأَذِّن فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَّ رَجَالًا» (حج / ۲۷).

۳-۶. صبر، اخلاق رفتاری در برابر مشکلات و سختی‌ها

در سخت‌ترین لحظات روز عاشورا و هنگام افتادن از اسب با آن همه جراحات، این جملات از امام علیه السلام نقل شده است:

صبرا علی قضائک یا رب لاله‌ای که ایستادگی، یا غیاث المستغیثین؛ (مقرم، ۱۳۹۱: ۳۵۷)
پروردگارا بر قضای تو صبر می‌کنم. معبودی جز تو نیست ای فریادرس
فریاد خواهان.

«فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أَوْلَاؤُا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف / ۳۵). پایدار باش، خویشتندار باش،
استقامت داشته باش. «وَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ» (شوری / ۱۵).

در زیارت امام حسین علیه السلام آمده است:

ولقد عجبت من صبرک ملائکه السماوات. (مجلسی، ۱۳۵۱: ۳۱۷/۹۸)

از امام سجاد علیه السلام است که هر چه کار بر او پیچیده و سخت ترمی شد، رنگ چهره‌اش
درخشیده تر و سرتاسر وجودش پراطمینان ترمی گشت تا جایی که دشمن کینه توز با
شگفتی بسیار او را قهرمانی خواند که در راه حق و عدالت هرگز به مرگ نمی‌اندیشد
(طبرسی، ۱۳۸۰: ۳۵۰).

«سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّانِ»؛ (رعد / ۲۴)

سلام و درود خداوند به شما بر آن چه که صبر کردید.

کلام ملائکه که اولوالالباب را به امنیت و سلامتی جاودانی و سرانجام نیک
نوید می‌دهند، سرانجامی که هرگز دستخوش زشتی و مدمت نگردد. (طباطبایی،



۳-۷. اخلاق اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر

بنا به فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام امر به معروف کن تا اهل معروف باشی. (کلینی، ۱۳۶۹: ۵۰/۱) از آثار اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر اجرایی شدن احکام اسلامی برقراری عدالت اجتماعی، سازندگی، استواری نظام اسلامی، امنیت، خیر و سلامتی، (حرعاملی، ۱۳۶۴: ۱۱/۳۹۵) قدرت یابی مؤمنان (فیض الاسلام، ۱۳۷۹: ۱۱۰۰) و تضعیف چهره منافقان (توبه/۶۷) می باشد و از دیگر آثار دنیوی این فریضه الهی سلامتی دین و دنیا (خوانساری، ۱۳۷۵: ۵/۴۴۰) نصرت الهی (حرعاملی، ۱۳۶۴: ۱۱/۳۹۸) کم نشدن عمر و روزی (فیض الاسلام، ۱۳۷۹: ۳۶۶) نجات از بلا (اعراف/۱۶۵) و از آثار اخروی آن خشنودی خدای متعال (مریم/۵۵) فلاح و رستگاری (آل عمران/۱۰۴) ثواب فراوان (خوانساری، ۱۳۷۵: ۲/۶۱۱) و بهشت برین (حرعاملی، ۱۳۶۴: ۱۱/۵۲۹) می باشد.

حضرت سیدالشهداء علیه السلام در نامه ای به معاویه پاسخ می دهد که وی داد و برخی از مفاسد او را بر شمرد در فرازی از آن فرمود:

خدا هیچ گاه تو را فراموش نخواهد کرد که مردم را به محض گمان دست گیر می کنی و اولیاء خداوند را با تهمت می کشی و از خانه هایشان به جاهای دور دست تبعید می کنی و برای پسرت از مردم بیعت می گیری، پسر نوری که شراب می خورد با سگان بازی می کند و تو را جزاین نمی بینم که خود را به خسران افکنده و دین و آیین خود را نابود کرده و زبردستان حکومت خود را فریب داده ای و به گفتار سفیه نادان گوش فراداده و انسان پارسا و با تقوایی را ترسانده ای ... (امینی، ۱۳۷۳: ۱۰/۱۶۱)

امام حسین علیه السلام از یک سوشناخت عمیق و دقیقی از تعالیم اسلامی داشت و از سوی دیگر مقتضیات زمان را در نظر می گرفت و با این اشراف دوجانبه و بر حسب سنت های جوامع، به تبلیغ و پیام رسانی پرداخت. گفتگوی رودر رو با افراد، سخنرانی، نامه نگاری از جمله وسایل ارتباط جمعی حضرت در آن عصر به شمار می رفت. امام می کوشید حتی در برخورد با مخالفان از روش خشم های افراطی و برخی نفرت های احساسی پرهیز کند و

جاذبه را بردافعه ترجیح دهد آن حضرت با تمام محدودیت‌های تبلیغی از وظیفه مهم امر به معروف و نهی از منکر که بالاتر از تبلیغ بود بازنايستاد. او ناصحی مخلص، فروتن، شجاع، عادل و بردبار بود که پیامش با رأفت و نرمش درهم آمیخته بود. (آیتی، ۱۳۸۱: ۱/۱۹۶)

سیدالشهداء علیه السلام در بیان هدف خود از قیام چنین می‌فرماید:

من برای احیای امر به معروف و نهی از منکر خروج کردم. (قمی، ۱۳۹۰: ۴۵)

طبق بیان قرآن «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران / ۱۱۰) شما بهترین امت هستید در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر کنید. از نظر قرآن شرافت امت اسلامی متّصف به حقیقت ایمان، قائم به حق امر به معروف و نهی از منکر است. (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۳/۵۸۳)

۳-۸. اخلاق معرفتی، شهادت در دفاع از حق

امام علی علیه السلام فرمود:

به خدا سوگند اگر تمام عرب‌ها برای جنگ با من همدست شوند، من پشت نخواهم کرد. (فیض الاسلام، ۱۳۷۹: ۴۵/۹۷۱)

امام زین العابدین علیه السلام در خطبه‌ای که در مسجد شام ایراد نمود فرمود:

به ما اهل بیت شش صفت عطا شده است: دانش، بردباری، سخاوت، فصاحت، شجاعت و محبت در دل‌های مؤمنان. (مجلسی، ۱۳۵۱: ۴۵/۱۳۸)

برای بعضی از این بزرگواران موقعیت‌هایی پیش آمده است که این صفت ظهور بیشتری داشته است. کربلا یکی از این موقعیت‌هاست؛ فردی از او یان دشمن می‌گوید:

والله ما رأيتُ مَكْثُوراً قَطُّ قَدْ قُتِلَ أَهْلُ بَيْتِهِ وَوَلَدُهُ وَأَصْحَابُهُ أَرْبَطَ جَأْشاً مِنْهُ؛

به خدا سوگند که دل شکسته‌ای این چنین که تمام اصحاب و اهل بیت و فرزندان کشته شده باشد و این گونه برخوردار از قوت قلب باشد، ندیده‌ام.

زمانی که حضرت جنگ تن به تن را آغاز کرد، هریک از نیروهای دشمن که در مقابل او

قرار می‌گرفت، به هلاکت می‌رساند. عمر بن سعد که احساس کرد کسی را یارای هم‌اوردی او نیست بر سپاهیان خویش نهیب زد: وای بر شما! آیا می‌دانید با چه کسی جنگ می‌کنید؟ این فرزند آن پدری است که شجاعان عرب و دلیران آنان را به هلاکت رسانده است. روح علی در پیکر اوست. که در این زمان از هر طرف به امام هجوم آوردند. (طبری، ۱۳۸۰: ۶/۲۵۹)

رسول اکرم ﷺ در تمام فضایل و کمالات انسان‌ها جمله شجاعت سمبل جامعه بود. او در مورد امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

و اما حسینم شجاعت و سخاوت را از من به ارث برده است. (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۳/۶۷)

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَبِرُوا يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (انفال/۶۵).
بیست نفر مؤمن صابراز شما بر دویست نفر از کسانی که کافر شده‌اند غالب می‌شود و صد نفر صابراز شما بر هزار نفر از کسانی که کافر شده‌اند، غالب می‌آید و این غلبه به علت این است که کفار مردمی هستند که نمی‌فهمند، غالب بودن بیست نفر مؤمن در برابر دویست کافران‌اشی از ایمان به خداست و ایمان به خدا نیرویی است که هیچ نیروی دیگری معادل آن نبوده و در برابر آن تاب مقاومت نمی‌آورد. زیرا که به دست آوردن نیروی ایمان مبنی بر فهم صحیح است و فهم صحیح صاحبش را به هر خلق و خوی پسندیده‌ای متصف می‌سازد و او را شجاع و با شهامت و پرجرات و دارای استقامت و آرامش قلب و وثوق به خدا بار می‌آورد. (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۹/۱۶۲)

﴿كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (مجادله/۲۱). قضا و قدر پروردگار این چنین نوشته شده است که من و پیغمبرانم همیشه غالب هستیم، غالب بودن پیغمبران و ائمه علیهم السلام و مجاهدین اسلام از لحاظ منطق و دلیل می‌باشد زیرا که بر اساس فطرت انسانها پایه‌گذاری شده است. در احادیث شجاعت امام حسین علیه السلام مورد تحسین و تشویق ملائکه از جمله جبرئیل بوده است. (ابن اثیر، ۱۴۲۰: ۲/۲۰)

حضرت امام حسن علیه السلام شجاعت و هیبت سیدالشهداء علیهم السلام را نظیر پدرش

امیرمؤمنان علیه السلام می‌داند. شجاعت و جرأت امام حسین علیه السلام باعث شد وی از آغاز دوران جوانی نقش یک جنگ را فرماندهی کند. (قمی، ۱۳۹۰: ۱/۲۵۸)

امام حسین علیه السلام درسی و دوسالگی فرماندهی جنگ صفین را برعهده داشت و همچون شمع می‌سوخت و به دیگران روشنایی می‌بخشید. اوزمانی که سپاه بی‌مروت شام فرات را اشغال نمودهاز دسترسی مردم کوفه و یاران علی علیه السلام به آن ممانعت کردند به امیرمؤمنان علیه السلام گفت: اجازه می‌دهی من خود شخصا به سوی فرات حمله نموده و آن را آزاد سازم؟ مولا اجازه داد. امام حسین در راس ده هزار نفر حمله را آغاز کرد و با تمام شجاعت سپاهیان شام را وادار به فرار نمود و آب را تصرف کرد. خبرشادی آن به امیر مؤمنان علیه السلام رسید. وی به جای خوشحالی شروع به گریه کرد و در علت آن فرمود: به یاد روزهای کربلای حسینم افتادم او در آن روزگار در سرزمین کربلا غریب و تنها و عطشان به شهادت می‌رسد. اسب او به سوی خیمه‌ها روان می‌گردد و از ستم قاتلان حسین علیه السلام شکوه می‌کند.

«الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ» (احزاب/۳۹)؛ آنان که رسالات و پیام‌های الهی را به مردم می‌رسانند. «وَيَخْشَوْنَ» (احزاب/۳۹)؛ و از خدای خودشان می‌ترسند و یک ذره خلاف نمی‌کنند، پیام را کم و زیاد نمی‌کنند، از راه حق منحرف نمی‌شوند. «وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (احزاب/۳۹) و در ادای رسالت و تبلیغ احکام از احدی جز خدا بیم ندارند. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۲۰/۱۳۱)

۳-۹. اخلاق اقتصادی، کمک به اقشار نیازمند جامعه

با توجه به اهمیت انفاق و تأکید عملی امام حسین علیه السلام بر آن انفاق دادن عطیه در راه خدا و مرتفع ساختن احتیاجات مجتمع و انجام کارهای اصلاحی و کوشیدن در پیدایش رفاه عمومی و ساختن نابسامانی‌های اقتصادی می‌باشد. انفاق تنها پرکردن مستمندی‌ها نیست، بلکه با خودسازی انسان هم رابطه‌ای دارد زیرا انسان در سایه گذشتها و ایثارها روحش روح الهی انسانی می‌گردد که بر این اساس نداشتن و ندادن کمال نیست، بلکه به دست آوردن و از خود جدا ساختن عامل سازندگی انسان است. (مطهری، ۱۳۷۶: ۲/۷۰)

﴿ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ
وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (بقره ۲/۳).

روزی سیدالشهداء علیه السلام به گروهی از مساکین برخورد نمود که عباهای خود را بر زمین انداخته و روی آن نشسته بودند و نان خشکی درپیش رو داشتند و می خوردند. وقتی که حضرت را دیدند او را دعوت کردند. حضرت علیه السلام از اسب پیاده شد و فرمود:

﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ﴾ (نحل / ۲۳)

خداوند متکبر فخر فروش را دوست ندارد.

و نزد آنان نشست و کمی نان تناول نمود. سپس به آنان گفت: همان گونه که من دعوت شما را پذیرفتم شما نیز دعوت مرا بپذیرید. آنان را به خانه بردند و دستور دادند که از آنان پذیرایی شود و آنان را انعام داده نوازش کردند.

روزی مردی بینوا که بر اثر فشار زندگی جانش به لب رسیده و دستش از همه جا کوتاه شده بود به امید رسیدن به نوایی به مدینه آمد. او در آن جا از کریم ترین و سخی ترین فرد سؤال کرد به او گفته شد: حسین بن علی علیه السلام شریف ترین و سخی ترین فرد مدینه است. مرد بینوا در جستجوی آن امام بزرگوار به مسجد آمد و حضرت را در حال نماز دید. همان جا خطاب به امام علیه السلام گفت: تا به حال ناامید و مأیوس نشده هر کسی که به تو امید بسته و در ب خانه ات را کوییده است، تو بخشنده ای و تو مورد اعتمادی و پدرت نابود کننده افراد فاسق و تبه کار بود. امام حسین علیه السلام بعد از شنیدن سخنان وی روبه قنبر کرد و فرمود: آیا از مال حجاز چیزی به جای مانده است؟ قنبر گفت: بلی، چهار هزار دینار داریم. امام فرمود: قنبر! آن ها را حاضر کن که این شخص در مصرف آن ها از ما سزاوارتر و نیازمندتر است. سپس امام به منزل رفت و ردای خود را که از برد یمانی بود از تن در آورد و دینارها را در آن پیچید و از لای در به آن مرد نیازمند داد و چنین پاسخ فرمود: این ها را از من قبول کن، من از تو عذر می خواهم و بدان که من برای تو مهربان هستم. مرد نیازمند هدایای امام را از لای در گرفت و گریست. امام پرسید: «آیا عطای ما را کم شمردی؟» گفت: «نه، هرگز بلکه به این نکته می اندیشم

که این داستان پرمهرو با سخاوت چگونه در زیر خاک پنهان خواهد شد. (مجلسی،
۱۳۵۱: ۱۹۰/۴۴)

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ
يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (۱۳۴/آل عمران).

۴. نتیجه‌گیری

امام حسین علیه السلام مقتدای بی‌نظیر شیعیان با بهره‌مندی از مناقب و فضایل انسانی و برخوردار از مقامات قرآنی مصداق بارز برخی از عبارات‌های کلام الهی می‌باشد تا هر چه بیشتر ارج و منزلت این امام همام بیان شده باشد و مودت و دوستی شیعیان نسبت به حضرت علیه السلام هر چه بیشتر یابد. امام حسین علیه السلام تنها امام خاصی هستند که پایه‌های مبارزات نهضت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همچون دین‌گریزی و فساد و بدعت در قیام و شهادت ایشان نمودار است.

امام حسین علیه السلام به عنوان کشتی هدایت و نجات مظهر تمامی فضیلت‌های ممتاز انسانی می‌باشد که با عفو و گذشت رحمت و رأفت اسلامی را نمایان ساختند و با رسیدن به مقام شفاعت و طلب وصل به مقام صالحین درجه دیگری از برتری اخروی ایشان با توجه به آیات قرآن مطرح گشته است. سید الشهداء علیه السلام با تأکید بر الزامات اخلاقی و نهی از زشتی‌ها آرامش و خیر را برای مؤمنان چه در سطح جامعه با سلام و ملاحظت نمودن و چه در محیط خانواده و حتی در بحبوحه جنگ تکریم و توجه به همسران را به ارمغان داشتند. امام علیه السلام با پاسخ دادن به نیکی‌ها، خیر و احسان نمودن را به انسان‌ها یادآور ساختند و با سفارش به تقوا در سخن و سیره خود، بزرگ‌ترین توصیه الهی را بیان نمودند و عاقبت خوش دنیوی و اخروی را از آن متقین می‌دانستند.

امام با مطرح نمودن حب به نماز و تلاوت قرآن، استعانت از این انوار الهی را به همه مجاهدین آموختند و اجازه نداد شرایط سخت و طاقت فرسای زندگی سستی‌ای در انجام عبادات ایشان پدید آورد. ایشان با استقامت و رضایت داشتن بر قضای الهی ذلت و خواری دشمن بی‌رحم را نمایان ساخت و پایان نیک را که هرگز دستخوش تغییر و



مذمت نمی‌گردد به پیروانش نشان داد. و با انجام رسالت امر به معروف و نهی از منکر امت رسول خدا ﷺ را آگاه ساختند تا دچار فساد دستگاه حکومت نگردد و قوام جامعه اسلامی را در برپایی این فریضه می‌دانستند و در میدان جنگ شهادت امام علیؑ باعث به هلاکت رساندن سپاه کفر و قوت قلبی برای اهل بیت علیهم السلام و سپاهیان آن حضرت در ادای تکلیف الهی بود. امام علیؑ با رفتار مهرآمیز خود با مستمندان با ریشه‌های فخر فروشی مبارزه نمود و اسباب کارناامیدان را فراهم ساخت.



منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۸۱ش)، بررسی تاریخ عاشورا، قم: انتشارات امام عصر علیه السلام، چاپ اول.
- ابن ابی حاتم (۱۹۹۹ م)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، المكتبة المصریه.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۲۰ق)، اسد الغابه، بیروت: دارالفکر، چاپ چهارم.
- ابن حنبل، احمد (۱۴۰۴ق)، مسند، مصر: دارالمعارف.
- ابن سعد، محمد (۱۳۷۳ش) ترجمه الامام حسین علیه السلام، قم: انتشارات آل البيت، چاپ نهم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۲ش)، تحف العقول، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶ش) مناقب خاندان علی بن ابی طالب علیه السلام، نجف: انتشارات مکتب حیدری، چاپ سوم.
- ابن عساکر، (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۷۷ش)، کامل الزیارات، تهران: انتشارات پیام حق، چاپ اول.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- إربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۲ش)، کشف الغمه، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ سوم.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۷۲ش)، الغدیر، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق)، البرهان، تهران: بنیاد بعثت، چاپ دوم.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۷ق)، عمده النظر، قم: انتشارات دارالجللی.

- بیضاوی، عبدالله بن عمر (بی تا)، تفسیر بیضاوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳ق)، سنن ترمذی، بیروت: دارالفکر
- جوینی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۸ق)، فرائد السمطین، بیروت: موسسه المحمودی.
- حاکم حسکانی، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل، تهران: موسسه چاپ و نشر، چاپ اول.
- حاکم نیشابوری (۱۴۰۶ق)، مستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالمعرفه.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۰ش)، وسائل الشیعہ، قم: نشرنهاوندی، چاپ اول.
- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی (۱۴۰۹ق)، تفسیر تأویل الآیات الظاهره، قم: انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- خوانساری، آقا جمال (۱۳۷۵ش)، شرح غررالحکم ودرر الکلم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم
- زرنندی حنفی، محمد بن یوسف (۱۳۷۷ق)، نظم درر السمطین، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمومنین علیه السلام.
- سیوطی، جلال الدین (بی تا)، تفسیر الدر المنثور، بیروت: دارالمعرفه.
- شریفی، محمود و دیگران، (۱۳۸۲ش)، کلمات موسوعه امام حسین، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
- صدوق، محمد بابویه (۱۴۰۵ق)، من لایحضره الفقیه، بیروت: دارالاضواء.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۷۹ق)، مجمع البیان فی علوم القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ش)، زندگانی چهارده معصوم، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۰ش)، تاریخ طبری، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم.

- طوسی، ابوجعفر محمد (۱۳۸۲ ش)، تهذیب الاحکام، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ ش)، نورالثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ دوم.
- علایلی، عبدالله (۱۳۷۹ ش)، الامام الحسین علیه السلام، قم: انتشارات شریف رضی، چاپ اول.
- فتح الهی، ابراهیم؛ ذولفقاری، شهرزاد (۱۳۸۷ ش)، تاریخ تفسیر قرآن کریم، تهران: انتشارات نگاهی دیگر.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ ش)، الجامع الأحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۶ ش)، نفس المهموم، نجف: انتشارات مکتب حیدری، چاپ سوم.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۸۳ ش)، سفینه البحار، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ دوم.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۹۰ ش)، منتهی الامال، تهران: انتشارات مبین اندیشه، چاپ سوم.
- قندوزی حنفی، شیخ سلیمان (۱۴۱۸ ق)، ینابیع الموده، بیروت: موسسه الاعلمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹ ش)، اصول کافی، تهران: انتشارات علمی اسلامی، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ ق)، اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام (۱۴۰۹ ق)، کنز العمال، بیروت: دارالفکر، چاپ دوازدهم.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۲ ش)، بحار الانوار، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- محدثی، جواد (۱۳۸۵ ش)، پیام‌های عاشورا، قم: انتشارات زمزم هدایت، چاپ ششم.

- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۳ش)، میزان الحکمه، قم: انتشارات دارالحدیث، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶ش) حماسه حسینی، تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهارم.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۹۰ش)، پرتو ولایت، تدوین: مجتبی خطاط، قم: انتشارات ذوی القربی.
- مفید، محمد بن محمد (بی تا)، الإرشاد المفید، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- مقرم، عبدالحسین (۱۳۹۱ش) مقتل الحسین علیه السلام، قم: انتشارات شریف رضی، چاپ دوم
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی